



## المعتز عباسی

**المعتز عباسی**، فرزند **متوکل عباسی** سیزدهمین خلیفه عباسی در **قرن سوم قمری** بود. وی در ۲۴ سالگی پس از سه سال و شش ماه و چهارده روز خلافت به‌دست سرداران ترک کشته شد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - نسب‌شناسی
- ۲ - ولایت‌عهدی
- ۳ - کسب خلافت
- ۴ - قتل
- ۵ - وصف شاعران
- ۶ - بانویس
- ۷ - منبع

### نسب‌شناسی

محمد (المعتز بالله) بن جعفر (المتوکل علی الله) بن محمد (المعتصم بالله) بن **هارون الرشید** (ابوعبدالله)، سیزدهمین خلیفه عباسی است. مادرش کنیزی رومی به نام **قیبچه** بود.

### ولایت‌عهدی

پدرش متوکل ابتدا فرزند بزرگش محمد (المنتصر بالله) و سپس فرزند دیگر خود محمد (المعتز بالله) را به ولایت‌عهدی برگزیده بود؛ ولی **فتح بن خاقان** که بسیار مورد توجه و احترام متوکل بود، متوکل را به منتصر بدبین کرد؛ از این‌رو معتز را در ولایت‌عهدی بر منتصر مقدم کرد. کوشش قبیحه ملایر معتز و کمک به فتح بن خاقان در مقدم داشتن فرزندش و عشق متوکل به این زن، در انتخاب معتز مؤثر بود.  
محمد (منتصر) با سرداران ترک که در راس آنان **وصیف** و **باغر** بودند، برای کشتن متوکل توطئه‌ای چیدند و او را در چهارم **شوال** ۲۴۸ کشتند و با منتصر به‌عنوان خلیفه بیعت کردند. چندی نگذشت که منتصر را مسموم کردند و او در **ربیع الثانی** ۲۴۸ ق درگذشت و آنان با پسر عمویش احمد بن محمد (المعتصم بالله) به‌عنوان خلیفه بیعت کردند و به او لقب المستعین بالله دادند.

### کسب خلافت

نخستین کار مستعین زندانی کردن محمد (المعتز بالله) و برادرش ابراهیم (المؤید بالله) بود. آن دو همچنان در زندان بودند تا آن‌که در غیبت مستعین از **سامرا** و هنگامی که در **بغداد** به‌سر می‌برد، سپاهیان سامرا شوریدند و معتز و برادرش مؤید را از زندان آزاد کرده، با معتز به‌عنوان خلیفه بیعت کردند. پس از جنگی میان معتز و مستعین درگرفت مستعین به نفع معتز از خلافت کنار گرفت و معتز خلیفه شد و او را به **واسط** تبعید کرد و سپس دستور داد او را بکشند.

### قتل

سراسر دوران خلافت معتز سرشار از آشوب و شورش بود. هنگامی که سرداران ترک دیدند معتز مردم مغرب و فرغانه را به خود نزدیک می‌کند، بر او شوریدند و در حالی که **صالح بن وصیف** پیشاپیش آنان بود، بر او وارد شده، عطایا و حقوقشان را خواستند. خلیفه اظهار ناداری کرد؛ لذا پاهایش را گرفته، او را بر زمین کشیدند و از خلافت برکنار و زندانی‌اش کردند و به او غذا ندادند. سپس او را به زیرزمینی بردند و در آن را گچ گرفتند و در نتیجه، خلیفه درگذشت. آن‌گاه محمد بن الواثق بالله را آوردند و با او به‌عنوان خلیفه بیعت کردند و به او لقب **المهتدی** دادند.  
قبیحه مادر معتز پنهان شده بود؛ ولی او را یافتند و اموالش را مصادره و خودش را به **مکه** تبعید کردند. قبیحه در همان شهر در سال ۲۶۴ ق درگذشت. معتز در ۲۴ سالگی پس از سه سال و شش ماه و چهارده روز خلافت درگذشت.

برخی شاعران با قصایدی هلاکت معزز و زورگویی ترکان بر حکومت و استبدادشان را وصف کرده‌اند؛ قصیده ذیل از آن جمله است:  
 «ای چشم! از ریختن سرشک دریغ مکن و بر بهترین مصیبت دیده مویه کن! اندرزگوی یکرنگ به او نیرنگ زد و چنگال هلاکت او را با مرگی سریع ربود.  
 ترکان خشمگین صبحگاهان بر او یورش برده، برکنارش کردند؛ جانم فدای آن برکنار شده باد! او را ظالمانه و جابرانه کشتند؛ اما هنگام مرگ، او را بردبار و خوش اخلاق و بزرگ منش یافتند.

زیبایی‌اش زیبایی ماه تمام را پنهان می‌کرد. با این‌حال، او را مظهر فروتنی می‌یافتی. خورشید نیز هنگامی که هنگام طلوع، او را می‌دید، از شرمساری (برابر جلوه چهره‌اش دیگر پرتو افشانی نمی‌کرد و) به جای خود بی حرکت می‌ماند.

قاتلان نه از سپاه ترسیدند و نه از شمشیر اندیشناک شدند؛ ای دریغ و درد بر آن کشته مخلوع! خدا را میان آنان صاحب امر حقیقی خواهی دید که به زودی آنان را با مرگی دردناک رسوا خواهد کرد.»

قصاید دیگری نیز در وصف محل کشتن خلیفه و مویه به خلیفه برکنار شده و مقتول سروده شده که **مسعودی** در کتاب خود **مروج الذهب** آن‌ها را آورده است.

[۱] ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۴۱.

[۲] ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۷۱.

[۳] ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۹۵.

[۴] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۴۸.

[۵] خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۰۲.

[۶] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۰.

[۷] ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، ج ۹، ص ۲۰۸.

[۸] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۶.

[۹] سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، ص ۲۶۱-۲۶۳.

[۱۰] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۴، ص ۸۱ به بعد.

## پانویس

۱. ↑ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۴۱.
۲. ↑ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۷۱.
۳. ↑ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۹۵.
۴. ↑ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۴۸.
۵. ↑ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۰۲.
۶. ↑ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۰.
۷. ↑ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، ج ۹، ص ۲۰۸.
۸. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۶.
۹. ↑ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، ص ۲۶۱-۲۶۳.
۱۰. ↑ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۴، ص ۸۱ به بعد.

## منبع

عبدالسلام ترمذینی، رویدادهای تاریخ اسلام، ترجمه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲، ص ۸۴-۸۵.

رده‌های این صفحه: **تاریخ خلفا** | **خلفای عباسی** | **درگذشتگان سال 255 (قمری)** | **شخصیت‌های قرن 3 (قمری)**